

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۱۸ اکتوبر ۲۰۱۳

دو عمل بسیار شرم آور دوران ما

دو عمل، شاید از جمله شرم آور ترین اعمال، حتی از خود کشتار سیستماتیک درنده خویان خلق و پرچم و کشتارهای تموجین گونه دوستم هم، در عمر کشور ما باشد، که شنیدن آن بدون تردید، گذشته از ایجاد تحیر غیر قابل توصیف و منتهای برافروختگی و غضب، مو را در بدن راست می کند.

یکی از این دو عمل دفاعی است که برخی از انسان های بی عاطفه و جنایتکار مربوط به حزب خلق و پرچم و دولت به اصطلاح دموکراتیک خلق افغانستان به اشکال متنوع - به نحوی آشکار یا به شکل تلویحی و ضمنی - از کشتارهایی دورانی که این حزب و این دولت، به زور و به اتکای نظامیان شوروی، بر اریکه قدرت در افغانستان تکیه زده بودند، با پروئی تام و تمام می کنند. کشتارهایی که با هیچ تدبیر و ترفند و با هیچ زبان و کلام پنهان کردن و انکار آن ممکن و میسر نیست.

چنین کاری را، به نظر من، بدون کدام تشویش و تردید، می توان انتهای بی حیائی و بیشرمی آنانی که به "پل و پت" کردن، انکار یا دفاع آن اعمال وحشیانه می پردازند، به حساب آورد. من، از برای این که، این ها با چنین جرأتی به انکار، یا به دفاع از آن همه جنایت آشکار می پردازند، متأسفانه نتوانستم سخن مناسبی پیدا کنم، با آنکه برخی از دوستان به این عقیده هستند که زبان من بند نمی افتد!

و عمل دوم، انتخاب دوستم به صفت معاون رئیس جمهور از طرف یکی از روشنفکران افغان تیپ روشنفکران غرب، یعنی جناب داکتر صاحب اشرف غنی احمدزی است.

جنایات بی حصر و حساب دوستم، هم در دوران زمامداری کارمل و هم در دوران حکومت نجیب و هم در روزهایی که جنگ های تنظیمی در شهر کابل جریان داشت، چیزی نیست که مردم افغانستان و مردم جهان از آن بی اطلاع باشند.

نیازی به گفتن نیست که هیچ درجه دار حزبی ارتش، پولیس و امنیت ملی نیست که در دوران حکومت چهارگانه خلق و پرچم مرتکب جنایت یا جنایاتی نشده باشد. همه به نوبه و به قدر توان خود، تا دست شان رسیده، چه در جبهه و چه در زندان و چه حین تحقیق و شکنجه، گاهی هم از روی تفنن و گاهی هم برای شرط بندی، مرتکب کشتار مردم، حتی مرتکب کشتار اطفال و زنان بی پناه و بی گناه نشده باشد، ولی بی ناموسی ها و کشتارهایی که به دست دوستم و افراد وی در سرتاسر افغانستان آن دوره به دستور کارمل و نجیب اتفاق افتیده است، از حد و حساب بیرون است.

جنايات دوستم، طوری که یادآور شدم، از نظر هیچ انسانی شریف و صاحب وجدان پوشیده نیست. خود اشرف غنی احمد زی هم، در دوران انتخابات قبلی به این موضوع به طور آشکار اذعان داشته بود، اما باوجود این، با همه حرف های مردم و با همه اعترافات خود اشرف غنی احمدزی در ارتباط جنايات و جنايت پيشه بودن دوستم و معذرت خواهی اخير شخص اخيرالذکر از جنگ هائی که طی آن ها هزاران انسان را به امر دو وطن فروش با بی رحمی تمام کشته است و صد ها پسر و دختر و زن شوهر دار مردم را بی سیرت و بی عفت نموده و ملک و دارائی شان را به یغما برده است - معذرتی که به هیچ وجه و به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست -، اینک همین شخص - اشرف غنی احمدزی - به دلیل این که قسمتی از قوم ازبک از دوستم پشتیبانی می کنند و پشتیبانی آن ها به زعم اشرف غنی احمدزی می تواند در امر انتخابات ریاست جمهوری به نفع جناب داکتر صاحب تمام شود، وی را به صفت معاون خویش معرفی می کند و وقتی که از وی پرسیده می شود که شما در انتخابات قبلی دوستم را جانی و آدمکش و این و آن نامیدید، پیام می فرستد که من اشتباه نموده بودم. زمان از روی واقعیت ها پرده بر می دارد. دوستم، اگر نیک دیده شود، یک فرشته است! آنچه من قبلاً گفته بودم واقعیت ندارد! (تعبیرسخنان سخن گوی اشرف غنی احمدزی.)

اگر کسی از من، نگارنده ای سطور، بپرسد که اوج بیشرمی کجا است؟ بدون تأمل خواهم گفت آنجا که اشرف غنی احمدزی یکصد و هشتاد درجه می چرخد؛ جمع انکار یا دفاع بیشرمانه جمعی از ناکسان حزبی از جنايات غیرقابل بخشش خلق و پرچم در دوران قدرت و زعامت شان.

این عمل اشرف غنی احمدزی مرا به یاد آن گفته معرف برخی از انسان ها انداخت که می گفتند و می گویند: " سیاست پدر و مادر ندارد." یعنی برای کسب قدرت از هر وسیله ای که ممکن است، مشروع و نامشروع، مجاز و غیرمجاز و پاک و ناپاک، می توان استفاده کرد، حتی اگر به قربانی پدر و مادر منتج گردد. اما، این گفته در اصل باید چنین اصلاح شود که سیاست نه، بلکه سیاستمدار بد و تشنه قدرت و خودبین و خودمحور و بی آبرو است که پدر و مادر و خواهر و برادر و وطن و وطندار و شرف و عزت ندارد و برای رسیدن به قدرت - که بهترین راه رسیدن به ثروت است - به هر گونه خفت و خواری دست می زند.

نصیب اشرف غنی احمد زی، اما، بدون شک و تردید، با همه این رسوائی و کثافت کاری، نه قدرت خواهد بود و نه چوکی ناپایدار ریاست جمهوری. آنچه تا ابد بر پشانی ایشان به عنوان لکه ننگ دیگری باقی خواهد ماند، بدنامی انتخاب یک خونخوار جنايت پيشه به صفت معاون وی خواهد بود؛ که مبارکش باد!!!

۲۰۱۳/۱۰/۱۷